

Women's Awareness and Attitude towards Recycling the Solid Waste in Sabzevar Municipal Area 2 in 2010

(Sadeh, M.J¹. Jamali Masoomi, F¹. Khamirchi, R².)

Abstract

Background and purpose: Quantitative and qualitative control of the waste material can be controlled by recycling the waste. For planning and making better decisions about the final disposal, we need to understand the awareness and attitude of women toward waste matter as they have the most exposure to producing the solid waste. Conducting such a study can help us understand the current situation and clarify the gap between the current and the optimal situation.

Methods and materials: This descriptive study involved 292 women, selected by systematic sampling. The relevant data were collected by questionnaires, and were analyzed in SPSS using descriptive statistics, correlation, t-test or its non-parametric equivalent.

Results: 87.7% of the participants expressed a positive attitude towards recycling but only 26.4% of them showed excellent awareness. Women with university education showed a more positive and a higher level of awareness than those with lower levels of education; the difference was significant ($p < 0.001$). Employed women showed a higher level of awareness than homemakers; and the difference was significant ($p < 0.001$).

Conclusion: The attitude of the women was beyond expectations, which provides us with a chance to increase their knowledge. As regards the 78.1% population of women without university education, it seems that the best plans for educating this big population must be implemented before they graduate from high school. This can be tangible when we keep in mind that we raise the knowledge of a family when we educate a student in the school.

Key Words: Awareness; Attitude; recycling; Women; Sabzevar.

¹Student of Bachelor's in Environmental Health, Sabzevar University of medical Sciences, Iran

²Faculty member of Department of Environmental Health, Sabzevar University of medical Sciences, Iran



بررسی میزان آگاهی و نگرش زنان منطقه ۲ شهرستان سبزوار در رابطه با بازیافت مواد زاید جامد در سال ۸۹ (محمد جواد ساده^۱، فهیمه جمالی معصومی^۱، رمضانعلی خمیرچی^۲)

مقدمه: به وسیله ی بازیافت می توان زباله را از نظر کمی و کیفی کنترل نمود. برای برنامه ریزی و تصمیم گیری بهتر در مورد دفع نهایی مواد زاید بایستی از میزان آگاهی و نگرش زنان که بیشترین ارتباط را در تشکیل مواد زاید جامد دارا هستند، مطلع بود. انجام این پژوهش به شناخت وضع موجود کمک کرده و فاصله ی موجود میان وضع فعلی و مطلوب را روشن می سازد.

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه ی توصیفی است. تعداد نمونه ها ۲۹۲ نفر می باشد. روش نمونه گیری سیستماتیک کا در میان و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسش نامه بود. تجزیه و تحلیل داده ها به کمک نرم افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی، آزمون همبستگی، آزمون تی یا معادل ناپارامتری آن صورت پذیرفت.

یافته ها: ۸۷/۷ درصد زنان دارای نگرش مثبتی نسبت به بازیافت بودند در حالی فقط ۲۶/۴ درصد آنها از آگاهی عالی برخوردار بودند. زنان دارای تحصیلات دانشگاهی در مقایسه با زنانی که تحصیلات غیر دانشگاهی داشتند از آگاهی بیشتر و مثبت تری برخوردار بودند؛ این ارتباط معنادار است. ($p < 0/001$) زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه دار از آگاهی بیشتری برخوردار بودند این ارتباط نیز معنادار می باشد ($p < 0/001$)

بحث و نتیجه گیری: سطح نگرش زنان بیشتر از حد انتظار بود این موضوع زمینه ی کاملاً مستعدی را به منظور افزایش سطح آگاهی آنان فراهم آورده است. با توجه به جمعیتی ۷۸/۱ درصدی زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی آشکار است که بهترین راه برای برنامه ریزی در جهت آموزش و آگاهی دادن به این قشر عظیم و متمرکز بایستی تا قبل از فارغ التحصیل شدن آنها از آموزش و پرورش صورت پذیرد. اهمیت این موضوع زمانی ملموس تر خواهد شد که به یاد آوریم با آموزش و ارتقای سطح آگاهی و نگرش یک دانش آموز در حقیقت به بالا رفتن میزان آگاهی و نگرش یک خانواده کمک کرده ایم.

واژه های کلیدی: آگاهی، نگرش، بازیافت، زنان، سبزوار

۱- دانشجوی رشته کارشناسی ناپیوسته بهداشت محیط - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

۲- عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

مقدمه:

تولید زباله جزو لاینفک زندگی بشری است. امروزه تولید زباله با توجه به افزایش جمعیت، پیشرفت تکنولوژی و بالا رفتن سطح استاندارد زندگی، مصرف‌گرایی در بین افراد جامعه و تولید سرانه مواد زاید و در پی آن تهدید و تخریب محیط زیست در حال افزایش می‌باشد. (۱) بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد بازیافت از مفیدترین و مؤثرترین روش‌های قابل اجرا در سیستم مدیریت مواد زائد جامد شهری محسوب می‌شود. (۱) بازیافت به معنای یک سیستم بسته با هدف بهینه‌سازی مصرف منابع مختلف و به منظور ایجاد سود کلی بیشتر برای جامعه بشری همراه با تولید زایدات کمتر است. به وسیله بازیافت می‌توان زباله را از نظر کمی و کیفی کنترل نمود اما نمی‌توان آن را به طور کلی از بین برد؛ بنابراین بازیافت باید مانند هر صنعت دیگری از لحاظ اقتصادی نیز به صرفه باشد یعنی علاوه بر جمع‌آوری مواد زاید به منظور استفاده مجدد باید با ایجاد توسعه‌ی بازار برای فروش مواد بازیافتی باعث ایجاد منافع اقتصادی شود. بازیافت مواد زاید جامد علاوه بر کاهش آلودگی‌ها در فرآیند استحصال مواد اولیه، سبب کاهش فضای لازم برای دفن زباله نیز می‌شود این مسئله به ویژه در نواحی که با کمبود زمین مواجه هستند حایز اهمیت است. از طرف دیگر بازیافت تا حدی زیادی از بروز مشکلات حاصل از دفن زباله (مثل مشکلات مربوط به شیرابه و گاز لندفیل) جلوگیری می‌کند. (۲)

در زنجیره‌ی مدیریتی، زباله‌های تولید شده حاصل از فعالیت‌های مصرفی انسان به دلیل حجم بالای مواد زاید و فساد پذیری زیاد آنها از نظر بهداشت عمومی و اقتصاد از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند در این میان نباید هیچ‌گاه نقش تولیدکنندگان را در این زنجیره نادیده گرفت. (۳) از آنجا که خانم‌های خانه‌دار بیشترین ارتباط را با مواد غذایی در زمینه‌ی آشپزی و تشکیل مواد زائد جامد دارا می‌باشند (۴) لذا بر آن شدیم که تحقیقی در زمینه‌ی بررسی میزان آگاهی و نگرش زنان منطقه ۲ شهرستان سبزوار در رابطه با بازیافت مواد زاید جامد در سال ۱۳۸۹ انجام دهیم و

با قرار دادن نتایج حاصل این پژوهش در اختیار شهرداری به عنوان متولی اصلی امر بازیافت، مرکز بهداشت به منظور برگزاری کلاسهای آموزشی برای رابطن بهداشتی، تالیف و توزیع پمفلت و پوستر و... ضمن برنامه‌ریزی بهتر جهت ارتقای سلامت خانواده بتوانیم در مورد دفع نهایی مواد زاید تصمیم‌گیری کرده و اقدامات لازم را به عمل آوریم.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش یک مطالعه توصیفی است به منظور بررسی میزان آگاهی و نگرش زنان شهرستان سبزوار در رابطه با بازیافت مواد زاید جامد انجام شده است. جامعه‌ی آماری زنان منطقه ۲ شهرستان سبزوار و تعداد نمونه‌ها ۲۹۲ نفر بودند. روش نمونه‌گیری سیستماتیک و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه‌ی پژوهشگر ساخته می‌باشد. پرسش‌نامه مشتمل بر سؤالات دموگرافیک، آگاهی و نگرش بود روایی پرسش‌نامه توسط اعضا هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار و پایایی آن توسط تست آلفا-کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. پرسش‌نامه‌ها در مهر ماه سال ۱۳۸۹ با مراجعه‌ی حضوری محققین پژوهش به درمنازل، توسط زنان تکمیل شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی، آزمون همبستگی، تحلیل واریانس، آزمون تی یا معادل ناپارامتری آن صورت پذیرفت.

یافته‌ها:

تعداد نمونه‌های مورد مطالعه ۲۹۲ نفر با میانگین سنی ۳۰/۲۳ سال بودند از این میان ۷۹/۳ درصد را متأهلین و ۲۰/۷ درصد را مجردین تشکیل می‌دادند. ۵۷/۵ درصد زنان مورد مطالعه خانه‌دار و ۴۲/۵ درصد شاغل بودند. از نظر تحصیلات، ۵/۵ درصد بی‌سواد، ۱۲/۴ درصد پنجم ابتدایی، ۱۶/۴ درصد سیکل، ۴۳/۸ درصد دیپلم و ۲۱/۹ درصد آنها تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. ۸/۲ درصد زنان آگاهی ضعیف، ۲۰/۵ درصد آگاهی متوسط، ۴۴/۹ درصد آگاهی خوب و ۲۶/۴ درصد آگاهی عالی داشتند. همچنین ۲/۷ درصد زنان نگرش منفی، ۹/۶ درصد بی‌نظر و ۸۷/۷ درصد

با توجه به نتایج به دست آمده، سطح آگاهی زنان منطقه‌ی ۲ شهرستان سبزوار در رابطه با بازیافت مواد زاید جامد در حد قابل قبولی است. ولی با این حال تا رسیدن به نقطه‌ی مطلوب فاصله‌ی زیادی وجود دارد. سطح نگرش زنان بسیار فراتر از حد انتظار بود. این موضوع زمینه‌ی کاملاً مستعدی را به منظور افزایش سطح آگاهی زنان این منطقه فراهم آورده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد: زنانی که تحصیلات غیر دانشگاهی دارند از میزان آگاهی و نگرش پایین تری نسبت به زنانی که تحصیلات دانشگاهی داشتند برخوردارند. با توجه به جمعیت ۷۸/۱ درصدی زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی آشکار است که بهترین راه برای برنامه ریزی در جهت آموزش و آگاهی دادن به این قشر عظیم و متمرکز بایستی تا قبل از فارغ التحصیل شدن آنها از آموزش و پرورش صورت پذیرد. به طور مثال می‌توان با برگزاری یک دوره مسابقات در زمینه بازیافت در سطح دبیرستان‌ها و مدارس راهنمایی دخترانه منطقه باعث توجه بیشتر مادران آینده جامعه به مقوله بازیافت و افزایش سطح آگاهی و نگرش آنها شد. هم چنین می‌توان با توزیع پمفلت، نصب پوستر و یا با قرار دادن سطل‌های مختلف رنگی به منظور جداسازی مواد زاید مختلف در مدارس، در بالا بردن میزان آگاهی و نگرش آنها گام‌های مؤثری برداشت. باید توجه داشت که آموزش و ارتقای سطح آگاهی و نگرش هر دانش آموز منجر به بالا رفتن میزان آگاهی و نگرش یک خانواده خواهد شد. همچنین این پیشنهادات را می‌توان با توجه به نتایج حاصل و درصد پاسخ به سؤالات نگرشی مطرح نمود، در دسترس قرار دادن سطل‌های با رنگ‌های متفاوت جهت جداسازی مواد مختلف زاید در سطح منطقه است. ۹۱/۵ درصد نمونه‌های مورد مطالعه نگرش مثبتی به این موضوع داشته‌اند. آگاهی رسانی و تشویق مردم به انجام طرح بازیافت از طریق رسانه‌های گروهی (۹۰/۵ درصد نمونه‌های مورد مطالعه نگرش مثبتی به این موضوع داشته‌اند).

به نظر می‌رسد زمانی شاهد عملی شدن پیشنهادات و اثر بخشی آنها خواهیم بود که ارگان‌های مربوط (مثل شهرداری، مرکز بهداشت، آموزش و پرورش و...) بتوانند با

نگرش مثبتی نسبت به بازیافت داشتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که به اعتقاد خانم‌ها ۶۷/۳ درصد زنان، ۲۰/۷ درصد همسران آنان و ۱۲ درصد فرزندان دخترشان بیشترین توجه را در خانواده نسبت به بازیافت دارند هیچ کدام از خانم‌ها فرزندان پسر را در امر بازیافت مواد زاید سهیم نمی‌دانند. یافته‌ها نشان می‌دهد نمونه‌های مورد مطالعه‌ای که سن کم تری داشتند از آگاهی بیشتری برخوردار بودند که این تفاوت معنادار است ($p < 0/001$) و ($t = -0/316$). هم چنین زنانی که سن کم تری داشتند دارای نگرش مثبت تری بودند. این تفاوت نیز معنادار است ($p < 0/01$) و ($t = -0/170$).

افراد مورد مطالعه‌ای که دارای تحصیلات دانشگاهی بودند در مقایسه با زنانی که تحصیلات غیر دانشگاهی داشتند از آگاهی بیشتری برخوردار بودند. این تفاوت معنادار است. ($p < 0/001$) همچنین نگرش زنان با تحصیلات دانشگاهی در مقایسه با زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی مثبت تر بود که این ارتباط نیز تفاوت است. ($p < 0/001$). یافته‌ها نشان می‌دهد خانواده‌هایی که جمعیت بیشتری دارند از آگاهی بالاتری برخوردارند اما این تفاوت معنادار نیست و ارتباط ناچیزی بین آگاهی و جمعیت وجود دارد. ($t = 0/088$) همچنین خانواده‌هایی که جمعیت بیشتری دارند دارای نگرش مثبت تری هستند که این ارتباط معنادار است. ($p < 0/001$) و ($t = 0/311$) افراد شاغل در مقایسه با نمونه‌های مورد مطالعه خانه‌دار از آگاهی بیشتری برخوردار بودند که این تفاوت معنادار است. ($p < 0/001$) اما زنان خانه‌دار در مقایسه با زنان شاغل از نگرش مثبت تری برخوردار بودند که این تفاوت معنادار نیست. یافته‌ها نشان می‌دهد زنان متأهل در مقایسه با زنان مجرد از آگاهی کم تری برخوردارند. این تفاوت معنادار است. هم چنین متأهلین در مقایسه با مجردین از نگرش منفی تری برخوردار بودند. اما هیچ گونه تفاوت معناداری بین آنها یافت نشد.

بحث و نتیجه گیری:

بهداشت دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سرکار خانم معصومه هاشمیان سرپرست ارجمند کمیته تحقیقات دانشجویی و دیگر استادان محترمی که ما را در مراحل مختلف تکمیل این پژوهش و رفع مشکلات علمی آن یاری رسان بودند تقدیر و تشکر نمایم.

هماهنگی، همکاری و حمایت بیشتری بین سازمانی خود و دیگر سازمان‌ها در جهت ارتقای سطح آگاهی و نگرش دانش آموزان، زنان و سایر افراد گام‌های موثری بردارند.

تقدیر و تشکر:

در پایان این پژوهش بر خویشتن واجب می‌دانیم از جناب آقای دکتر ابوالفضل رحمانی ثانی ریاست محترم دانشکده

منابع:

- ۱- محمدی محمد تقی، محمد طاهری ابوالفضل، بینواپور محمد، فاتحی آرزو، امکان سنجی بازیافت از مبدأ، زباله شهری برای شهر تهران در سال ۱۳۸۳. کتاب خلاصه مقالات هشتمین همایش ملی بهداشت محیط، ۱۷-۱۹ آبان ۱۳۸۴. ص ۱۵۸
- ۲- عمرانی قاسم علی، علوی نخجوانی نغمه، مواد زاید جامد (۲) (بازیافت). تهران: انتشارات اندیشه رفیع، ۱۳۸۸، ص ۲۷
- ۳- مسگراف حیدر، صادقی حسن. بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد مردم در ارتباط با مدیریت مواد زائد جامد شهری کرمانشاه در بهار و تابستان ۱۳۸۰، کتاب خلاصه مقالات چهارمین همایش کشوری بهداشت محیط. ۱۵ تا ۱۷ آبان ۱۳۸۰. یزد. ص ۳۸۱
- ۴- جوهری زهرا، خلدی ناهید، تدین بهزاد، هاشمی سیدرضا. بررسی آگاهی نگرش و عملکرد مراجعین به مرکز بهداشتی درمانی در رابطه با بازیافت زباله. کتاب خلاصه مقالات دوازدهمین همایش بهداشت محیط ایران. ۱۳۸۸ دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی دانشکده بهداشت. ص ۱۴۷